# نقش‌های ارتباطی سکوت بلیغ در زبان فارسی؛ مطالعهٔ موردی: فیلم «جدایی نادر از سیمین»

**حدائق رضائی[1*]، مینا قندهاری[2]**

۱. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت: ۹۲/٤/۳۱ پذیرش: ۹۲/۹/۱۱

دوماهنامهٔ جستارهای زبانی
د۶ ، ش۱ (پیاپی ۳۲)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹٤، صص۸۷-۱۱۰

## چکیده

مطالعهٔ حاضر بررسی نقش‌های ارتباط سکوت بلیغ در زبان فارسی را هدف خود قرار داده است. بر این اساس و به کمک چارچوب افرات[1] (2008) که سکوت بلیغ را ابزاری فعال در انتقال پیام و برآوردن نقش‌های ارجاعی عاطفی، ترغیبی، شعری، همدلی و فرازبانی می‌داند، فیلم «جدایی نادر از سیمین»، به‌عنوان اولین فیلم ایرانی برندهٔ جایزهٔ اسکار، به دلیل برخورداری از روایت‌های پنهانی که به واسطهٔ سکوت شکل می‌گیرند، در چارچوب پیشنهادی افرات (2008) مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص گردد که اولاً این موارد، منتقل‌کنندهٔ کدام معانی و نقش‌های ارتباطی هستند و ثانیاً عوامل بافتی، اعم از زبانی و موقعیتی و کاربردشناختی، چه نقشی در انتقال معنا و نقش‌آفرینی سکوت بلیغ در ارتباطی موفق بر عهده دارند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که سکوت بلیغ به شکل تأثیرگذاری در این فیلم در خلق و انتقال انواع مختلف نقش‌ها و معانی، مورد استفاده قرار گرفته است که این خود می‌تواند از عوامل زبانی برای موفقیت فیلم یادشده باشد. از طرفی مشاهده گردید که *هدف ارتباط*، *بافت موقعیتی*، *نوع مخاطب*، *روابط قدرت بین مشارکان* و *هنجارهای فرهنگی و اجتماعی*، از جمله عوامل بافتی و کاربردشناختی بودند که در ترجیح استفاده از سکوت بلیغ بر کلام صریح برای برآوردن یک نقش ارتباطی، سهم به‌سزایی دارند.

**واژگان کلیدی:** سکوت، سکوت بلیغ، نقش ارتباطی، جدایی نادر از سیمین.

* نویسندهٔ مسئول مقاله: Email: hadaegh2@yahoo.com

[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

## ۱. مقدمه

سکوت در مقابل گفتار یا نوشتار را در ارتباط زبانی، به‌سختی می‌توان معادل «هیچ» قرار داد. به‌تعبیری غیاب گفتار یا نوشتار لزوماً به معنای غیاب قصد و معنی نیست. همچنان‌که تانن[۲] (1985) بیان می‌کند، *سکوت، نگفتن چیزی است که چیز دیگری معنی می‌دهد*. افرات معتقد است سکوت، ابزار ارتباطی بسیار کارآمدی است که افراد در زندگی روزانه از آن بهره می‌برند. او نوعی سکوت هدفمند به نام سکوت بلیغ را معرفی می‌کند که به‌طور مستقیم جایگزین گفتار می‌شود و نقش‌هایی ارتباطی را ایفا می‌کند (Ephratt, 2008: 1909- 1938).

از سوی دیگر ارتباط کلامی از مهم‌ترین موضوعات علم زبان‌شناسی به شمار می‌رود که به‌طور گسترده مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و نظریات ارزشمندی در مورد آن ارائه شده است. در این میان نقش‌های ارتباطی یاکوبسن (1960) از نظریه‌هایی است که مورد توجه فراوانی قرار گرفت و همواره جزء الگوهایی بوده که در زبان‌شناسی مورد استناد قرار گرفته است. افرات که از زبان‌شناسانی است که در مورد سکوت مطالعات گسترده‌ای انجام داده است، معتقد است که در ارتباطات زبانی علاوه بر گفتار، سکوت بلیغ نیز نقش‌های ارتباطی یاکوبسن را به‌صورت مطلوبی اعمال می‌کند(Ephratt, 2008: 1909- 1938). مقالهٔ حاضر با کمک چارچوب افرات (2008)، به بررسی نقش‌های سکوت بلیغ در فیلم «جدایی نادر از سیمین» می‌پردازد. دلیل انتخاب این فیلم علاوه بر موفقیت جهانی و کسب چندین جایزهٔ بین‌المللی، از جمله اسکار در سال ۲۰۱۱م، برخورداری این فیلم از روایت‌های پنهانی است که به واسطهٔ سکوت شکل می‌گیرند. آن گونه که تجزیه و تحلیل فیلم نشان می‌دهد از سکوت به‌طور هوشمندانه‌ای برای انتقال پیام استفاده شده است و شاید بتوان این سکوت‌های سرشار از فریاد را نیز از دلایل موفقیت فیلم یادشده دانست.

سؤالات مورد نظر این مطالعه در بررسی موارد سکوت در فیلم یادشده، عبارت‌اند از این‌که:

الف. سکوت بلیغ دارای کدام نقش‌های ارتباطی در زبان فارسی است؟

ب. عوامل بافتی و کاربردشناختی چه تأثیری در شکل‌دهی نقش‌ها و معانی مختلف برای سکوت بلیغ دارند؟

در ادامهٔ مقاله، ابتدا مفهوم سکوت بلیغ و تفاوت آن با انواع دیگرِ غیاب گفتار و سپس



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

نقش‌های ارتباطی آن را مرور نموده و در پایان، به تجزیه و تحلیل سکوت‌های بلیغ فیلم می‌پردازیم.

## ۲. پیشینهٔ مطالعات

سکوت در مطالعات تحلیل گفتمان و کاربردشناسی دارای معانی متفاوتی بوده و پژوهشگران تقسیم‌بندی‌های متنوعی برای آن قائل بوده‌اند که مهم‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها را می‌توان در آثار برنو (1973)، جنسن (1973)، یوانسن (1974)، هاکین (2002) و کورزون (2007) مشاهده کرد. این پژوهشگران در مطالعات خود سکوت را در فرآیندهای روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مدنی و آسیب‌شناختی مرتبط با زبان، مؤثر دانسته و به نقش سکوت در گفتمان‌های مختلف اشاره می‌کنند. صادقی (۱۳۸۷ الف و ب) نیز با نگاهی روایی، شش نوع سکوت مربوط به روایت داستان را برمی‌شمرد. همچنین سکوت در مطالعات مختلف به‌عنوان استعاره (Jaworski, 1997)، ابزاری برای نوبت‌گیری در مکالمه (Sacks & et al., 1974; Goffman, 1981) و وسیلهٔ کنترل اجتماعی (Bruneau, 1973; Saville-Troike, 1985; Agyekum, 2002) مورد توجه قرار گرفته است. یاورسکی از جمله زبان‌شناسانی است که به یک‌باره سکوت و مفهوم آن را بسیار گسترده مورد توجه قرار داد و به معرفی ویژگی‌هایی از سکوت پرداخت که کمتر مورد توجه قرار گرفته بودند. وی معتقد است سکوت می‌تواند به‌عنوان یک نشانهٔ شنیداری چون مکث، نظریه‌ای زبان‌شناختی، راهبردی کاربردشناختی و گفتمانی، راهکاری برای تفهیم دشواژه، ابزار بیان ماهرانه، ابزار فعالیت مخاطب در یک تعامل و وسیله‌ای برای بیان ایده‌ای زیبایی‌شناختی به کار رود (Vide. Jaworski, 1993; 1997a; 1997b; 1997c; 2000). افرات (2008) نیز با تقسیم سکوت به دو نوع بلیغ و غیر بلیغ، سکوت بلیغ را بسیار توانا و دارای توان‌مندی‌های گفتار می‌داند. از آنجا که تمایز قائل شدن بین سکوت *هدفمند* و *غیر هدفمند* با نام‌های «بلیغ» و «غیر بلیغ»، نظم و سامان بیشتری به بررسی سکوت هدفمندی که جایگزین گفتار شده و به‌طور مستقیم در تعاملات ارتباطی دارای نقش می‌باشد، می‌دهد و ازاین‌رو که در چارچوب او جایگاه سکوت بلیغ در برآوردن نقش‌های ارتباطی یاکوبسن (1960)، به‌طور مستقیم در برابر کلام، مورد مقایسه و بررسی قرار گرفته است و به این ترتیب، توانایی‌های سکوت به‌عنوان یک ابزار ارتباطی به‌طور ملموس‌تر



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

مشاهده می‌شود، موجب شد مقالهٔ افرات (2008) به‌عنوان چارچوب مورد مطالعهٔ مقالهٔ حاضر انتخاب گردد. پیش‌تر صادقی در یکی از مقالات خود (۱۳۸۹) با در نظر گرفتن این چارچوب به بررسی نقش ارتباطی شعری سکوت در متون ادبیات داستانی پرداخته بود. همچنین سجودی و صادقی (۱۳۸۹) کارکرد گفتمانی سکوت نوشتاری را در ساخت‌مندی روایت داستان کوتاه مورد بررسی قرار داده‌اند که نشانگر این است که سکوت نوشتاری در چه سطوحی و برای کدام کارکردهای گفتمانی در داستان به کار می‌رود.

## ۳. سکوت بلیغ

افرات ضمن معرفی سکوت بلیغ و متمایز نمودن آن از انواع دیگر سکوت، آن را بخشی از ارتباط زبانی می‌داند. به عقیدهٔ او سکوت بلیغ، ابزاری فعال است که توسط گوینده برای ایجاد ارتباط در جهت انتقال پیام انتخاب می‌شود (Ephratt, 2008: 1911- 1913). زمانی سکوت را بلیغ می‌دانیم که به اختیار گوینده یا شنونده‌ای که نوبت مکالمهٔ اوست، برای انتقال پیام ایجاد می‌شود. این نوع سکوت، در واقع جایگزین گفتار می‌شود. ماهیت سکوت بلیغ با سکون[۳]، [۴] و ساکت‌کردن[۵] تفاوت دارد. *سکون*، غیاب صدا است و در نقطهٔ مقابل *نوفه* قرار دارد و خارج از حوزهٔ تعاملات ارتباطی است. مکث توسط محتوا یا ارجاعاتش تعریف نمی‌شود، بلکه با طبیعت زنجیره‌ای خود که در خلال اعمال مشخص ایجاد می‌شود، تعریف می‌گردد. مکثی که گوینده در نوبت مکالمه‌اش می‌کند، می‌تواند برای تنفس، کسب آمادگی برای بیان مطلب دیگر، مربوط به مسائل روان‌شناسی و یا علایق فرهنگی باشد که کمتر جنبهٔ ارتباطی کلامی دارد. *ساکت کردن* نیز اعمال قدرت بر دیگری است که با سکوت بلیغ تفاوت دارد. ساکت کردن چیزی نیست که خود گوینده انتخاب کرده باشد تا پیامی را انتقال دهد، بلکه برعکس، محرومیت او از بیان است. افرات، سکوت بلیغ را شامل نمادهایی می‌داند که توسط یک دال تهی ایجاد می‌شوند و مربوط به مدلول غیر تهی هستند و ازاین‌رو به بُعد زبانی ارتباط تعلق دارند (Ephratt, 2011: 2300). به عبارتی، سکوت بلیغ، سکوت معنی‌دار و به مثابهٔ جاهای خالی است و آن‌چنان‌که ایگلتون اظهار می‌دارد خواننده برای درک معنای گفتمان، جاهای خالی و یا شکاف‌های گفتمانی را به کمک دانش پیشین خود و عناصر بافتی پر می‌کند (Eagelton, 1996: 66-67)



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

### ۱-۳. نقش‌های ارتباطی سکوت بلیغ

طبق الگوی ارتباطی یاکوبسن، شش سازه‌ی گوینده، مخاطب، مرجع[٦] (در جهان بیرون، سوم شخص)، مجرای ارتباطی که به جهان خارج و خود زبان مربوط است، پیام و ساختار آن و رمز به‌عنوان موضوع ارتباطی، در هر ارتباط کلامی حضور دارند، ولی در هر رخداد ارتباطی تنها یکی از آن‌ها برجسته است که این سازهٔ برجسته نقش ارتباطی آن رخداد را تعیین می‌کند (Jakobson, 1960: 353). او این سازه‌ها را در زبان، به‌ترتیب دارای نقش‌های عاطفی[۷]، ترغیبی[۸]، ارجاعی[۹]، شعری[۱۰]، همدلی[۱۱] و فرازبانی می‌داند. افرات با معرفی سکوت بلیغ، نقش‌های ارتباطی یادشده برای گفتار را برای سکوت بلیغ نیز قائل است و معتقد است سکوت بلیغ نیز همچون کلام به‌طور مطلوبی از عهدهٔ ایفای این نقش‌ها برمی‌آید (Ephratt, 2008: 1913- 1933). در ادامه به‌طور مختصر به شرح این نقش‌ها در ارتباط با سکوت بلیغ خواهیم پرداخت.

#### ۱-۱-۳. نقش عاطفی سکوت بلیغ

در ارتباطات کلامی، نقش عاطفی بر گوینده و نگرش، طرز برخورد و ابراز احساسات او نسبت به آنچه در موردش سخن می‌گوید، متمرکز است (Jakobson, 1960: 354). نظر به این‌که گوینده احساسات خود را نه‌تنها توسط کلام، بلکه با سکوت نیز ابراز می‌کند و حتی در این مورد گاهی سکوت بر کلام پیشی می‌گیرد، افرات ابراز احساسات درد و رنج، شادی، همدردی در موارد غم و خسران، تحسین، تکریم، بهت در مقابل نیروی بالاتر و مواردی این‌چنین توسط سکوت را جزء نقش عاطفی سکوت می‌داند (Ephratt, 2008: 1916- 1917).

#### ۲-۱-۳. نقش ارجاعی سکوت بلیغ

نقش ارتباطی ارجاعی کلام در بیشتر پیام‌ها مهم‌ترین نقش به شمار می‌رود (Jakobson, 1960: 353). هنگامی‌که هدف اصلی در یک رخداد ارتباطی انتقال اطلاعات است و گوینده گزاره‌هایی را در مورد جهان پیرامون به مخاطب خود ارائه می‌کند، تمرکز بر مصداق‌های جهان بیرون به‌عنوان سوم شخص، جدای از گوینده و شنونده، می‌باشد و نقش ارجاعی کلام برجسته است. در جملات اخباری این نقش بطور بی نشان در مرکز ارتباط کلامی قرار دارد.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

همچنین در مواقعی که سکوت بلیغ به مصداقی در جهان پیرامون همچون یک شخص یا یک چیز و یا یک واقعیت دلالت داشته باشد، نقش ارجاعی را در آن رخداد زبانی ایفا می‌کند (Ephratt, 2008: 1913- 1916).

**۳-۱-۳. نقش ترغیبی سکوت بلیغ**

هنگامی ارتباط کلامی نقش ترغیبی دارد که جهت‌گیری ارتباط به سوی مخاطب باشد؛ دوم شخص در مرکز این نقش قرار دارد. نقش ترغیبی ابزاری برای استفاده از کلمات به منظور فعال‌سازی مخاطب است. بی‌نشان‌ترین صورت‌های دستوری دارای این نقش ارتباطی مربوط به جملات ندایی و امری است.

سکوت بلیغ نیز همچون گفتار می‌تواند به‌خوبی از عهدهٔ این نقش برآید. افرات (2008: 1919- 1923) سه نوع از موارد سکوت بلیغ را معرفی می‌کند که در رخدادهای زبانی نقش ترغیبی ارتباط را ایفا می‌کند: در نوع اول که سکوت فرآیندی[۱۲] یا سکوت به‌عنوان نشانگر گفتمان نام دارد، سکوت بلیغ به‌عنوان یک نشانگر گفتمان، نقش ترغیبی دارد. سکوت گوینده در جهت فعال‌سازی مخاطب برای قبول مسئولیت ادامه یا پایان دادن به مکالمه است.

در نوع دوم، سکوت بلیغ شامل جایگزینی نام‌ها با ضمایر و یا حذف کامل آن‌هاست. در مواقعی به دلایل باورهای فرهنگی- اجتماعی همچون اعتقاد به این‌که بعضی نیروهای جادوئی و ماورائی در صورت آوردن نامشان برانگیخته می‌شوند، گوینده از نام‌بردن آن‌ها اجتناب می‌کند. این نوع سکوت، مفهومی[۱۳] نامیده می‌شود.

نوع سوم سکوت به‌عنوان کنش‌گفتاری[۱۴] است که در قالب کنش‌گفتاری مستقیم[۱۵] و غیر مستقیم[۱۶] می‌آید که در آن نیز سکوت بلیغ نقش ترغیبی دارد. وقتی گوینده با سکوت خود مخاطب خود را تنبیه یا مجازات می‌کند، سکوت او نوعی کنش‌گفتاری مستقیم است. هنگامی‌که شخصی به مخاطبش می‌گوید تا مادامی که کاری را انجام نداده با اوحرف نخواهد زد و دیگر با او صحبت نمی‌کند، این سکوت او کنش‌گفتاری مستقیم برای فعال‌سازی مخاطب است تا کاری را انجام دهد. از بارزترین مواردی که سکوت به‌عنوان کنش گفتاری مستقیم به‌کار می‌رود، هنگامی است که شخصی با سکوتش اقرار به اشتباه خود می‌کند و یا هنگامی‌که سکوت دلالت بر رضایت دارد، سکوت تلویحاً برای اقرار به اشتباه یا رضایت به کار می‌رود.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

در این حالت نیز هدف فعال‌سازی مخاطب است. سکوت بلیغ به‌عنوان کنش‌گفتاری غیر مستقیم در گسترهٔ وسیع‌تری عمل می‌کند و سکوت برای بیان غیر مستقیم منظور دیگری انجام می‌گیرد. دو مورد به‌عنوان کنش‌گفتاری غیر مستقیم برای سکوت در نظر گرفته می‌شود: مورد اول هنگامی است است که فرد با سؤال بلاغی[۱۷] روبه‌رو می‌شود و در پاسخ سکوت می‌کند. پاسخ بی‌نشان برای سؤال بلاغی، سکوت است و افرات این سکوت را دارای نقش ترغیبی غیر مستقیم می‌داند (Ephratt, 2008: 1921- 1923). از آنجا که مخاطب سؤال می‌تواند به انتخاب خود سکوت کند یا با کلام پاسخ دهد ولی تصمیم می‌گیرد که سکوت کند و مسئولیت گفتمان را به گوینده می‌سپارد و در همان حال به‌طور تلویحی از این سکوت خود منظوری دارد، این نوع سکوت بلیغ را سکوت ترغیبی دارای کنش گفتاری غیر مستقیم در نظر می‌گیریم. سکوت ترغیبی دارای کنش گفتاری غیر مستقیم، سکوتی است که شخص هنگام درخواست چیزی از مخاطب خود در بین کلام اعمال می‌کند که سکوتی هدفمند برای فعال‌سازی مخاطب است تا پاسخی مناسب برای درخواستش دریافت کند.

**۴-۱-۳. نقش همدلی سکوت بلیغ**

این نقش بر مجرای ارتباطی متمرکز است. در روند مکالمه پیام‌هایی برای شروع، ادامه، توقف و همچنین بررسی برقرار بودن مجرای ارتباطی وجود دارند. این پیام‌ها نقش همدلی را در یک ارتباط کلامی به عهده دارند. کلماتی همچون سلام، خب، متوجهی؟ می‌شنوی چی میگم؟ و خداحافظ، جزء این پیام‌ها هستند. ژگاراچ یکی از توصیف‌های این نقش را ارائهٔ کمترین اطلاعات در مقابل بیشترین پشتیبانی می‌داند. نقش همدلی برای انتقال اطلاعات، ابراز احساسات و یا فعال‌سازی مخاطب به کار نمی‌رود، بلکه تلاشی برای شروع، ادامه، اتمام و یا بررسی برقراری مجرای ارتباطی است (Žegarac, 1998: 328).

نوعی سکوت بلیغ نیز وجود دارد که در جهت حفظ ارتباط، مؤثر است. این نوع سکوت با ابراز همدردی، فهم متقابل و یا وحدت احساسات دو فرد، مجرای ارتباطی را بین آن دو ثابت و فعال نگه می‌دارد و بنابراین دارای نقش ارتباطی همدلی می‌باشد.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

### ۵-۱-۳. نقش شعری سکوت بلیغ

تمرکز این نقش به خود پیام بدون توجه به مصداق‌های جهان پیرامون، احساسات گوینده و یا تلاش برای فعال‌سازی مخاطب است. این نقش مربوط به کاربرد زیبایی‌شناختی کلمات و جملات است که به چگونگی انتخاب کلمات در محور جانشینی و ترکیب آن‌ها در محور همنشینی مربوط است. نقش شعری نه‌تنها در شعر و ادبیات، بلکه در مکالمه‌های روزمرهٔ مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. شخص تصمیم می‌گیرد جمله یا گفتهٔ خود را با کلماتی خاص به طریقی خاص ادا کند و بیشتر مواقع حتی دلیل این انتخاب خود را نمی‌داند و از این‌که از بعضی اصول زیبایی‌شناسی تبعیت می‌کند ناآگاه است، اصولی که از فرهنگ و زبانی به فرهنگ و زبان دیگر متفاوت است (Jakobson, 1960: 356-377). در ارتباطات زبانی چینش کلمات صرفاً جهت انتقال اطلاعات نیست، بلکه الگوهای شباهت، تضاد و همسانی نیز رعایت می‌شوند که توسط صداها، معانی، ریتم‌ها و معانی ضمنی ایجاد می‌شوند (Eagelton, 1996: 86). افرات معتقد است توالی‌ها در جملات و بیاناتی که شخص ادا می‌کند، تنها از کلمات ساخته نشده‌اند، بلکه در مواردی شامل سکوت نیز هستند و سکوت به‌عنوان جزئی از کاربردهای زیبایی‌شناختی آن جملات و بیانات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بنابراین سکوت نیز در اعمال نقش شعری کاربرد دارد. او همچنین نقطه‌چین‌ها و کلمات اختصاریافته در نوشتار را جزء نقش شعری سکوت معرفی می‌کند (Ephratt, 2008: 1925).

### ۶-۱-۳. نقش فرازبانی سکوت بلیغ

«رمز»، مؤلفهٔ اصلی نقش فرازبانی است. این نقش یک وسیله نیست، بلکه خود هدف است. وقتی گوینده و مخاطب بررسی می‌کنند که آیا هر دو از یک رمز در مکالمه خود استفاده می‌کنند، این گفتار بر رمز متمرکز است (Jakobson, 1960: 356). هنگامی‌که حاضران در یک مکالمه در استفاده از سکوت به‌عنوان رمز در مکالمهٔ خود به تفاهم می‌رسند، این رمز نقش فرازبانی می‌یابد. افرات (2008: 1926) موقعیت‌های بیشتری را که در آن سکوت بلیغ به‌عنوان نقش فرازبانی به کار می‌رود، معرفی می‌کند:

به‌کارگیری سکوت در نقش فرازبانی کاربردهای مختلفی دارد. یکی از این موارد، استفاده از رمز به‌عنوان موضوع است. در موقعیتی که یک خارجی به زبان خود از کسی می‌پرسد که



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

آیا می‌تواند به زبان او حرف بزند و مخاطبش سؤال او را حدس می‌زند و ساکت می‌ماند، شخص خارجی با سکوت او متوجه می‌شود که جواب «نه» است. در اینجا سکوت که رمز است، خود موضوع ارتباط است.

سطوح نحوی، جزایر و حذف‌ها نیز از مواردی هستند که سکوت بلیغ به‌عنوان نقش فرازبانی در دو حالت به کار می‌رود: در حالت اول، سکوت به‌عنوان نشانگر نحوی می‌رود. برای مثال ترتیب وصل یا فصل دو کلمهٔ کنار هم را مشخص می‌کند. عبارت «استاد ادبیات عرب» را می‌توان به دو صورت «استاد ادبیات Øعرب» و «استاد Ø ادبیات عرب» ادا کرد و با تغییر جایگاه سکوت، معنا کاملاً تغییر می‌یابد. حالت دوم از سکوت نحوی مربوط به عامل حذف‌شده در جایگاه فاعل در جملات مجهول است. وقتی در زبان انگلیسی فاعل جمله با مجهول‌سازی حذف می‌شود و مفعول جایگزین آن می‌شود، با سکوت ارجاعی مواجهیم، ولی وقتی فاعل توسط یک (by) به پایان جمله تنزل می‌یابد، این تنزل و تغییر مکان فاعل به‌عنوان سکوت نحوی در نظر گرفته می‌شود که دارای نقش فرازبانی است (Ephratt, 2008: 1927).

همچنین سکوت شخص وقتی چیزی برای گفتن ندارد، جزء نقش ارجاعی آن محسوب می‌شود. ولی هنگامی‌که شخص کلمه یا جمله‌ای مناسب و به اندازهٔ کافی قوی و تأثیرگذار برای ابراز همدردی نمی‌یابد و سکوت می‌کند، این سکوت نقش فرازبانی دارد (Ephratt, 2008: 1928).

موردی دیگر با نام «حق سکوت» وجود دارد که حقی است که در قوانین مربوط به بازجویی در بعضی کشورها برای مظنونین قائل هستند و در آغاز بازجویی او را از آن مطلع می‌کنند. به موجب آن مظنون در هنگام بازجویی با آگاهی از این‌که گفته‌هایش می‌تواند در دادگاه علیه او مورد استفاده قرار گیرد، اجازه دارد سکوت کند. این سکوت دارای نقش فرازبانی است.

قبل از پرداختن به تجزیه و تحلیل داده‌ها، به‌اجمال به معرفی فیلم سینمایی رئال اجتماعی «جدایی نادر از سیمین» که با هدف بررسی نقش‌های ارتباطی سکوت مورد بررسی قرار گرفته‌است، می‌پردازیم.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

## ۴. جدایی نادر از سیمین

فیلم «جدایی نادر از سیمین» به کارگردانی اصغر فرهادی (2011)، اولین فیلم ایرانی برندهٔ جایزهٔ اسکار است که جوایز بین‌المللی دیگری را نیز به خود اختصاص داده است و مورد تقدیر بسیاری از منتقدان فیلم داخلی و خارجی قرار گرفته است. دلایل این موفقیت‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد. از دیدگاه زبان‌شناختی، به‌کارگیری ابزارهای ارتباطی مناسب و متنوع را که انعکاس‌یافته از تعاملات زبانی در دنیای واقعی است، می‌توان یکی از دلایل موفقیت‌های این فیلم دانست. خلاصهٔ داستان فیلم به شرح زیر است:

سیمین می‌خواهد به همراه همسرش، نادر و دخترشان، ترمه، ایران را ترک کند. ولی نادر قصد دارد در ایران بماند و از پدر سالخورده‌اش مراقبت کند. سیمین تقاضای طلاق می‌دهد و می‌کوشد نادر را متقاعد کند تا اجازه دهد ترمه را همراه خود ببرد. ولی نادر معتقد است ترمه باید بماند و توانایی مقابله با مشکلات را به دست آورد. نادر به دلیل مشغلهٔ کاری خود، زنی به نام راضیه را استخدام می‌کند تا از پدرش پرستاری کند. راضیه باردار است و بدون اطلاع همسرش، حجت که خود مشکلات و بدهی بسیاری دارد، در منزل نادر شروع به کار می‌کند و دخترش سمیه را نیز همراه خود به خانه آن‌ها می‌برد. روزی مشاجره‌ای میان نادر و راضیه پیش می‌آید. نادر او را هل می‌دهد و روز بعد بچهٔ راضیه سقط می‌شود. او علیه نادر شکایت می‌کند. سیمین با راضیه صحبت می‌کند تا در قبال دریافت پول، شکایت خود را پس بگیرد و از طرف دیگر رضایت نادر را برای دادن پول جلب می‌کند. قسمت پایانی فیلم مربوط به درخواست قاضی دادگاه از ترمه بعد از طلاق نادر و سیمین است. قاضی از ترمه می‌خواهد برای اعلام تصمیمش مبنی بر انتخاب زندگی با یکی از والدینش اقدام کند. فیلم بدون نمایش پاسخ ترمه در حالی‌که سیمین و نادر در راهروی دادگاه منتظر پاسخ هستند، پایان می‌یابد.

با تماشای فیلم می‌توان شاهد موارد زیادی از انواع سکوت بلیغ بود. مطالعهٔ حاضر با توجه به نقش‌های ارتباطی سکوت بلیغ، سعی دارد نمونه‌هایی از سکوت را در فیلم شناسایی کرده و مشخص نماید که چگونه سکوت از عهدهٔ ایفای نقش‌های ارتباطی برآمده است.

### ۴-۱. نقش‌های ارتباطی سکوت بلیغ در فیلم «جدایی نادر از سیمین»

با هدف بررسی نقش‌های ارتباطی سکوت بلیغ در زبان فارسی، تمامی موارد سکوت در فیلم



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

«جدایی نادر از سیمین» را مشخص کرده و سپس با توجه به چارچوب افرات (2008)، مواردی که نمونه‌هایی از سکوت بلیغ بودند، جدا کردیم. در ادامهٔ مقاله برای هریک از نقش‌های مورد نظر، تنها به طرح و نیز تجزیه و تحلیل برخی شواهد اکتفا نمودیم.

**۱-۱-۴. نقش عاطفی**

موارد زیادی از سکوت بلیغ در این فیلم وجود دارد که نقش عاطفی در آن برجسته است. نمونه‌ای ملموس را می‌توان در این بخش مشاهده کرد.

بافت موقعیتی: اتاق خواب، دقیقه ۸:٤٤ : سیمین که تقریباً آمادهٔ ترک خانه است، در اتاق مشغول شمردن پول است و ترمه ساکت در حال نگاه‌کردن به اوست. سیمین به جانب او نگاه می‌کند.

سیمین: *نمیای؟*

ترمه: .....[سکوت: ۷ ثانیه] ..... *کتاباتو دیگه برا چی می‌بری؟*

سیمین: *می‌خوامشون!*

در اینجا سکوتی نسبتاً طولانی در میانهٔ یک ارتباط زبانی وجود دارد، ولی هیچ شکاف گفتمانی حس نمی‌شود. دلیل این امر آن است که سکوت ترمه پیام «نه» را منعکس می‌کند و هیچ وقفه‌ای در این ارتباط وجود ندارد. او با سکوت همراه با نگاه غمگین خود هم پاسخ «نه» می‌دهد و هم به‌طور بارزی احساسات خود را دربارهٔ این‌که از اوضاع حاضر نگران، پریشان و ناراحت است، منتقل می‌کند. از آنجا که نقش عاطفی مربوط به ابراز احساسات شرکت‌کننده در گفتمان و نگرش و برخورد او نسبت به موضوعی است که در موردش صحبت می‌شود (Jakobson, 1960: 354) و ترمه با سکوت خود به بهترین وجه ناراحتی خود را ابراز می‌کند، با وجود حضور نقش‌های دیگر سکوت او، در این رخداد زبانی نقش عاطفی، برجسته‌ترین مؤلفهٔ ارتباطی مورد مشاهده است.

مورد دیگری از این نوع سکوت در سکانس ابتدایی فیلم وجود دارد.

بافت موقعیتی: دادگاه طلاق، دقیقه ٤:٤۲ : سیمین، نادر و قاضی در حال بحث دربارهٔ دادخواست طلاق سیمین هستند. سیمین از نادر می‌خواهد اجازه دهد بعد از طلاق، ترمه را با خود ببرد، ولی نادر مخالفت می‌کند. پس از به نتیجه نرسیدن درخواست سیمین، قاضی از



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

آن‌ها می‌خواهد تا صورت‌جلسه را امضا کرده، دادگاه را ترک کنند. سیمین در حال بحث با قاضی است.

سیمین: *حاج‌آقا تکلیف من چی میشه من فقط ٤٠ روز وقت دارم.*

قاضی: *خانم این‌طوری نیست که هر کی یه مشکل کوچولو پیدا می‌کنه، بیاد بگه من طلاق می‌خوام بگیرم!*

سیمین: *مشکل کوچیک یعنی چی؟ مشکل کوچیک یعنی چی حاج‌آقا؟ مشکل من کوچیک نیست! من مسئلهٔ دخترمو دارم!*

قاضی: *خانوم ایشونم دخترشه. ایشونم حق داره. من قاضی‌ام تشخیص میدم که مشکل شما، مشکل کوچیکیه. بفرمایید اینجا رو امضا کنید، برید!*

سیمین: [سکوت و امضای برگه].

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، علاوه بر ابراز احساسات و همدردی، تحسین و تکریم، بهت در مقابل نیروی برتر نیز مربوط به نقش عاطفی سکوت می‌باشد و گاهی هنگامی‌که فردی در جایگاه پایین‌تر قرار دارد، چاره‌ای جز تسلیم شدن در برابر فرد در موضع بالاتر را ندارد و این تسلیم شدن معمولاً با سکوت همراه است. به عبارتی در چنین مواردی روابط قدرت بین مشارکان، خاستگاه اصلی سکوت بلیغ است. در اینجا نیز سیمین پس از بحث با قاضی با وجود اقناع نشدن در نهایت سکوت کرده و برگه را امضا می‌کند که این سکوت جزء سکوت بلیغ عاطفی در نظر گرفته می‌شود. هرچند نقش‌های ارتباطی دیگری همچون ارجاعی و ترغیبی را نیز می‌توان به‌طور غیر ملموس‌تر مشاهده کرد.

**۲-۱-۴. نقش ارجاعی**

همچنان‌که پیشتر اشاره شد، در مواقعی که سکوت بلیغ در جهت انتقال اطلاعات، به مصداقی در جهان خارج دلالت داشته باشد، با نقش ارجاعی سکوت مواجهیم. این مصداق می‌تواند یک شخص یا چیز و یا یک واقعیت باشد. در اینجا نمونه‌هایی از سکوت ارجاعی را بررسی می‌کنیم.

بافت موقعیتی: پمپ بنزین، دقیقهٔ ۱۹:۵۳: نادر در جایگاه سوختگیری از دخترش می‌خواهد به ماشین بنزین بزند. ترمه به دلیل توجه مردم میلی به انجام این کار ندارد، ولی نادر اصرار می‌کند. بعد از اتمام کار وقتی ترمه به ماشین برمی‌گردد، نادر از او می‌خواهد که برگشته و



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

باقی پولش را از متصدی بگیرد. ترمه با نارضایتی می‌رود، با متصدی پمپ بنزین بحث می‌کند و پول را از او می‌گیرد. در این میان نادر از دیدن این صحنه خوشحال و راضی به نظر می‌رسد. ترمه برمی‌گردد و پول را به پدرش می‌دهد.

نادر: *مال خودت بابا!*

ترمه: *واقعاً!؟*

نادر: [سکوت، نگاه و لبخند]

ترمه: (لبخند).

چرا نادر پول را از ترمه نگرفت؟ اگر پول برایش اهمیت نداشت، چرا ترمه را مجبور کرد که بازگردد و با زحمت پول را بگیرد؟ این‌ها سؤالاتی است که به ذهن ترمه و بینندگان خطور می‌کند. نادر با سکوت، نگاه و لبخندش بسیار رسا پاسخ می‌دهد که پول برایش اهمیت ندارد. مسئلهٔ مهم این است که ترمه یاد بگیرد چگونه در جامعه، هنگامی‌که حقوقش ضایع می‌شود، توانایی دفاع از خود را داشته باشد. این حقیقتی است که نادر با سکوتش به آن اشاره می‌کند و سکوت او بر یک حقیقت، به‌عنوان یک مصداق خارجی، تمرکز دارد. ترمه این پیام را به‌خوبی دریافت می‌کند و لبخند می‌زند. هرچند نقش‌های ارتباطی دیگری همچون عاطفی و همدلی نیز در این رخداد زبانی وجود دارند، ولی برجسته‌ترین نقشی که این سکوت ایفا می‌کند، نقش ارجاعی است.

نمونه‌ای دیگر مربوط به سکوت حجت، شوهر راضیه است که نوعی متفاوت از سکوت ارجاعی را نمایش می‌دهد.

بافت موقعیتی: دفتر مدرسهٔ ترمه، دقیقهٔ ١:٢١:٤٠ : حجت به مدرسهٔ ترمه رفته تا معلم او را که در دادسرا شهادت داده بود که نادر صحبت‌های او و راضیه را در مورد بارداری راضیه نشنیده است، تهدید کند. حجت نظم مدرسه را به هم زده و کارکنان مدرسه سعی دارند اوضاع را آرام کنند که سیمین هم به جمع آنان اضافه می‌شود.

*خانم قهرایی: از دادسرا زنگ زدن. رفتم؛ چند تا سؤال پرسیدن. راستشم گفتم.*

حجت: *راستشو گفتی؟*

خانم قهرایی: *بله!*

حجت: *خداوکیلی راستشو گفتی؟*



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

خانم قهرایی: *بله!*

حجت: *این قرآن. بیا دست بذار روش، بگو راس میگی!*

سیمین: *آقای عزیز قسم یعنی چی؟ آخه به ایشون چه ربطی داره؟*

خانم قهرایی: *باشه، من نمی‌ترسم خانوم، بذار ببینم چی باید بگم.*

حجت: *شما رفتی اونجا گفتی شوهر این (اشاره به سیمین) نمی‌دونسته زن من حامله بوده. درسته یا نه؟*

خانم قهرایی: *بله.*

حجت: *همینو بگو!*

خانم قهرایی: *به همین قرآن اون روز که خونه اینا بودم، شوهر این خانوم نفهمید... حرفای ما رو نشنید... حرفای من و زن شما رو نفهمید... تو آشپزخونه بود... خوبه این؟ یا باید چیز دیگه‌ای بگم؟*

حجت: ...[سکوت و ترک محل].

حجت در پی ایجاد مزاحمت برای خانم قهرایی بود و به این منظور نظم مدرسه را کاملاً به هم زده و سعی در ارعاب او داشت. به نظر می‌رسید به هیچ وجه نمی‌شود او را آرام نموده و قانع کرد که شهادت معلم ترمه درست است؛ ولی او با قسم خوردن خانم قهرایی به قرآن بلافاصله سکوت کرد و محل را ترک نمود. حجت در مواردی که عصبانی است سکوت نمی‌کند و هنگامی‌که موضوعی مسئله‌اش می‌شود اصرار دارد که آن را اثبات کند و یا تهمت بزند. حجت که تا آن لحظه بر یک موضوع یعنی دروغ بودن شهادت متمرکز بود، به دلیل باورهای خاص خود و صلابت گفتار خانم قهرایی گویی گفته او را پذیرفت. اشک در چشمانش جمع شد و خشمی که در ابتدا در چهره‌اش موج می‌زد، از بین رفت و به‌سرعت مدرسه را ترک کرد. در اینجا او پس از قسم خانم قهرایی تسلیم می‌شود و تا پایان فیلم دیگر دربارهٔ دروغ بودن شهادت او کلمه‌ای به زبان نمی‌آورد. به نظر نمی‌رسد سکوت حجت برای نشان دادن احساساتش باشد، ولی درد و غم او را به‌صورت آشکاری نشان می‌دهد. این بدین معنی است که این رخداد دارای نقش ارتباطی عاطفی است. همچنین حجت گویی با تمام قدرتی که از خود نشان می‌داد و سر و صدایی که به راه انداخته بود، حال مسئولیت گفتمان را پس از شنیدن یک سؤال بلاغی (*خوبه این؟ یا چیز دیگه‌ای باید بگم؟*) نپذیرفته و آن را به



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

خانم قهرایی می‌سپارد. پس شاهد نقش ترغیبی سکوت نیز هستیم. ولی نوع سکوتی که در اینجا بیشتر جلوه‌گری می‌کند و کل داستان به آن اذعان دارد، سکوت ارجاعی است. همچنان‌که قبلاً ذکر شد، بنا به نظر افرات وقتی دربارهٔ موضوعی حرفی برای گفتن نداریم، اگر دلیل، به‌کارگیری نقش فرازبانی نباشد؛ یعنی نیافتن کلمهٔ مناسب برای ابراز همدردی، این سکوت، ارجاعی است (Ephratt, 2008: 1928). حجت که گویی پس ازجلسهٔ دوم دادگاه تمام مسئله‌اش شهادت دروغ معلم ترمه بود و تمام تلاشش برملا کردن این دروغ بود، پس از شنیدن آخرین جمله‌های خانم قهرایی گویی دیگر هیچ نظری نسبت به این موضوع ندارد و اصراری به پرداختن به آن ندارد. دیگر مسئله‌اش این نیست و در واقع حرفی برای زدن ندارد و تا پایان فیلم در این مورد سکوت می‌کند و با وجود پذیرفتن ناآگاهی نادر از بارداری زنش او را در موارد دیگری مقصر می‌داند. همچنین در اینجا مشاهده می‌شود که خاستگاه سکوت، باورهای فرهنگی و اعتقادات مذهبی مردم جامعه است.

**۳-۱-۴. نقش ترغیبی**

در بخش‌های قبل به انواع سکوت ترغیبی که بسیار متنوع بودند، ولی در حالت کلی، هدف آن تمرکز بر مخاطب و فعال‌سازی اوست، اشاره کردیم. در اینجا به بررسی نمونه‌هایی برجسته از سکوت ترغیبی می‌پردازیم.

بافت موقعیتی: ورودی منزل نادر، دقیقهٔ ۱٤:۱۳ : راضیه که برای پرستاری از پدر نادر استخدام شده است، در اولین روز کاری با دخترش وارد خانهٔ نادر می‌شود. به محض ورود به خانه، سمیه برای تماشا و جست‌وجوی خانه که بسیار متفاوت از خانهٔ خودشان است، از مادرش دور می‌شود.

راضیه: *کجا داری میری؟*

سمیه: [در سکوت به سمت مادر برمی‌گردد].

پرسش مادر یک سؤال بلاغی است که پاسخ بی‌نشان آن، سکوت است و آن‌چنان‌که اشاره شد، این سکوت، سکوتی ترغیبی است. از آنجا که راضیه و سمیه فعلاً با محیط جدید آشنایی ندارند، مادر می‌خواهد به کودک خود بگوید که بهتر است کنار او بماند. در واقع او این‌گونه ترجیح می‌دهد و کودک به‌خوبی این پیام را دریافت می‌کند، سکوت می‌کند و به سمت



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

مادرش بازمی‌گردد و پیام خود را با سکوت خود که حاکی از این است که حق *با شماست*، به مادر ارسال می‌کند با این‌که این اختیار را داشت که با کلام خود جملاتی چون «هیچ‌جا» یا «می‌خوام یه نگاهی بندازم» را بگوید. سمیه با سکوت خود مسئولیت گفتمان را با این تصور که او به اوضاع مسلط است، به مادر می‌سپارد. این سکوت که از نوع کنش گفتاری (یا سکوتی) مستقیم است، نقش ترغیبی برجسته دارد که در آن جهت‌گیری پیام به سمت مادر است. نمونه‌ای دیگر از این نوع سکوت به قرار زیر است:

بافت موقعیتی: حمام، دقیقهٔ ۳۰:۰۳ : از آنجا که اوضاع خانه و شرایط آن برای راضیه شناخته‌تر شده است، از سمیه می‌خواهد تا آشغال‌ها را بیرون ببرد. سمیه آشغال‌ها را روی پله‌ها می‌کشد و کیس، زباله پاره شده و راه‌پله و لباس سمیه کثیف شده است. در این سکانس، سمیه در حمام کنار مادرش که فرش را می‌شست، قرار گرفته‌است.

راضیه: *الان از کدوم گوری من برا تو پیرهن بیارم؟* (با عصبانیت)

سمیه: [۳ ثانیه سکوت].

راضیه: *دربیار این رویی‌تو!!!* (درحالی‌که سعی می‌کند پیراهن او را بیرون بیاورد)

سمیه: *آی!*

راضیه: *دربیار ببینم!*

سمیه، دختربچهٔ آرامی نیست. شیطنت‌های خاص خود را دارد که در طول فیلم شاهدش بوده‌ایم و مهم‌تر این‌که با سن کمش، در مواردی درصدد دفاع از مادرش برآمده است؛ همچون زمانی‌که در دقیقهٔ ۱:۶:۳۰ در مقابل معلم ترمه که سعی داشت از او حرف بکشد، کاملاً قاطع برخورد کرده و حتی دربارهٔ آن به پدرش توضیح داده است و یا در دقیقهٔ ۱:۱۹:۲۰ که از نادر می‌خواهد تا باور کند مادرش مقصر نیست، دزدی نکرده و مجبور به ترک خانه شده است. این نشان می‌دهد سکوت او در این مکالمه و مکالمهٔ قبل، نه به دلیل شخصیت ساکت و یا ترس او، بلکه به دلیل پذیرفتن اشتباهش است. سکوت سمیه و این‌که سعی نمی‌کند تا توضیح دهد که او مقصر نبوده است و اقرار به اشتباه، حتی اگر تبدیل به عادت شده باشد و نوعی نقش فرازبانی داشته باشد، پذیرش اشتباه است که با سکوت بیان می‌شود و در آن سکوت برای فعال‌سازی مخاطب و سپردن مسئولیت گفتمان به راضیه اعمال شده است. پس این سکوت، نقش ارتباطی ترغیبی را ایفا می‌کند.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

**۴-۱-۴. نقش همدلی**

چنان‌چه استیون ویتی (2011) نیز معتقد است فیلم «جدایی نادر از سیمین» دربارهٔ شکاف‌هایی است که بین مردم جامعه و حتی اعضای خانواده‌ها و باورها ایجاد شده است و به همین دلیل نقش همدلی قابل توجهی در ارتباطات شخصیت‌های فیلم وجود ندارد. افراد از هم فاصله می‌گیرند و فاصله‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. طرز نگرش، افکار و ارزش‌های آن‌ها متفاوت است و حس همدلی و موافقت بین آن‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد بافت اجتماعی و فرهنگی این محیط، این نوع ایجاد ارتباطات توسط سکوت را نمی‌طلبد. شاید تنها موردی که ارزش بحث دارد، ارتباط بین ترمه و سمیه است. این دو که هنوز به اندازهٔ کافی رشد نکرده‌اند، تفاوت‌هایشان نیز رشد نیافته و دیواری بین خود ایجاد نکرده‌اند. آن‌ها روزهای شاد و غمگینی در برخوردهای خانواده‌هایشان داشته‌اند، ولی هنوز وجود رابطه بین همدیگر را دوست دارند. در دقیقهٔ ٤٤ :٤٦ :۱ نادر و خانواده‌اش در منزل راضیه هستند تا مبلغی را به او پرداخت کنند و او شکایتش را پس بگیرد. دو دختر در حیاط خانه مشغول بازی هستند و هیاهو و صدای خنده‌شان را می‌توان شنید. تا این‌که نادر از دخترش می‌خواهد وارد جمع آنان شود و هر دو دختر وارد اتاق می‌شوند. ناگهان مشاجره دیگری رخ می‌دهد. ترمه و سمیه که دوباره ناراحتی والدینشان را می‌بینند، نگران به هم خوردن رابطهٔ بین خودشان هستند و در سکوت نگاهی طولانی به هم می‌کنند. این نگاه همراه سکوت برای بررسی ارتباط بین آن‌ها و اظهار همدردی و ناراحتی آن‌ها از شرایط حاکم است که نشانگر فعال بودن نقش همدلی سکوت است.

**۵-۱-۴. نقش شعری**

از آنجا که معمولاً دلیلی زیبایی‌شناختی در پس انتخاب هر عنصر زبانی در محور جانشینی و هم‌نشینی وجود دارد، نقش شعری از نقش‌هایی است که معمولاً در هر رخداد زبانی وجود دارد. یاکوبسن که معتقد است این نقش اختصاص به ادبیات و هنر ندارد، بلکه در مکالمات روزانهٔ معمول بین افراد جامعه نیز وجود دارد، آن را نقش برجستهٔ ارتباطی در ادبیات و هنر (ادبی) می‌داند و در بقیهٔ موارد، این نقش را یک نقش جانبی و فرعی می‌شمارد(Jakobson, 1960: 356). بر این اساس در پژوهش برای بررسی نقش شعری غالب در ارتباطات، به بررسی دو مورد



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

سکوت بلیغ در روایت خود فیلم، به‌عنوان اثری هنری خواهیم پرداخت؛ یک نمونه مربوط به قسمتی از داستان است که در فیلم، توالی مربوط به رخدادها جابه‌جا شده است. در دقیقهٔ ۳۰:۰۳ راضیه فراموش کرده در خانه را ببندد و ناگهان متوجه می‌شود که پدر نادر خانه را ترک کرده است. راضیه فوراً بیرون می‌رود و به دنبال او می‌گردد. در سکانس بعدی مشاهده می‌شود که نادر، ترمه و سمیه در حال بازی هستند و پدر نادر در کنار آن‌ها نشسته است. در اینجا موضوعی که یکی از مهم‌ترین قسمت‌های فیلم است، ناگفته باقی می‌ماند و بیننده فقط درمی‌یابد که راضیه توانسته پدر نادر را بدون این‌که کسی متوجه شود، به خانه برگرداند. در دقیقهٔ ۵۵ : ٤٢ : ١ وقتی اصلاً انتظار نمی‌رفت، راضیه حقایق قسمت ناگفته را افشا کرده و در مورد این‌که وقتی دنبال پدر نادر می‌گشت با ماشینی تصادف کرده است، با سیمین صحبت می‌کند. این قسمت از فیلم به دلیل توالی زیبایی‌شناختی در بخشی که مربوط به آن بود نمایش داده نشده و در جایی دیگر به آن اشاره می‌شود. این تعلل یا سکوت، نقش شعری دارد، صادقی (۱۳۸۹: ۲۰۵) معتقد است در ادبیات این نقش سکوت شگردی است برای برجسته‌سازی تا با حذف موضوعی که در مرکز توجه قرار دارد، توجه مخاطب به عدم وجود آن جلب شود.

مورد دیگری را که می‌توان جزء نقش‌های شعری سکوت در این فیلم به‌عنوان یک اثر هنری شمرد، سکوت انتهایی فیلم است. بینندگان فیلم پس از مشاهدهٔ تمام جریانات، منتظر شنیدن تصمیم ترمه برای انتخاب یکی از والدین می‌باشند. ولی کارگردان فیلم با ناگفته گذاشتن آن، این موضوع را برجسته‌تر کرده و فیلم در حالی‌که ذهن بیننده به چالش کشیده شده است، پایان می‌یابد. از آنجا که کارگردان با این سکوت درصدد فعال‌سازی مخاطب است و یا در این مرحله نسبت به موضوعی که روایت می‌شود حرفی برای گفتن ندارد، شاید بتوان نقش‌های ترغیبی و ارجاعی را نیز جزء نقش‌های ارتباطی این سکوت دانست. ولی همچنان مهم‌ترین نقشی که این سکوت ایجاد می‌کند، برجسته‌سازی به‌واسطهٔ نگفتن است که مربوط به نقش شعری سکوت می‌باشد.

**۶-۱-۴. نقش فرازبانی**

در ارتباط با این نقش، یکی از رمزهای ارتباطی بدیع را که در آن ارتباطی کامل و استوار بین سمیه و راضیه با کمترین کاربرد کلمات وجود دارد، بررسی می‌کنیم.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

بافت موقعیتی: آشپزخانه، دقیقهٔ ۱٤:۳۷ : راضیه در حال خالی کردن ظروف از ماشین ظرف‌شویی است و سر و صدای زیادی به راه افتاده است و سمیه با انگشت در حال نقاشی کردن روی پنجره بخارگرفتهٔ آشپزخانه است. راضیه ناگهان کار خود را متوقف می‌کند و سر وصدا قطع می‌شود. لبخندی می‌زند و نگاهی به سمیه می‌اندازد. سمیه نیز به او نگاهی می‌کند و هر دو به سمت یکدیگر می‌روند. سمیه گوشش را به شکم مادرش می‌چسباند. سپس سرش را برگردانده و گوش دیگرش را می‌چسباند و پس از ۱۷ ثانیه ارتباط زبانی در سکوت کامل،

سمیه: *نمی‌شنوم.*

راضیه: *هیییسس!*

سمیه: (دوباره سعی می‌کند و لبخند می‌زند) ... *چیکار داره میکنه؟*

مادر و کودک مشتاقانه چشم به راه نوزادی هستند که به اعضای خانواده اضافه خواهد شد. هر نشانه‌ای از سلامت و فعالیت جنین برایشان دلنشین است. گوش دادن به صدای او و حرکاتش به دلیل تکرار، تبدیل به قراردادی بین آن دو شده است. حالا دیگر مادر برای دعوت کودک به گوش دادن، هنگامی‌که جنین در تکاپوست، نیازی به هیچ گفتاری ندارد. لبخند و سکوت، رمز آنان شده است، بر سر استفاده از آن به توافق رسیده‌اند و با حداقل گفتار زیباترین نوع ارتباط کلامی را برقرار کرده‌اند. مؤلفهٔ غالب در اینجا رمز است و محوریت پیام به سمت رمز است. در این رخداد ارتباطی نقش فرازبانی سکوت، فعال است.

راضیه و سمیه در ارتباطات خود، رمز دیگری را دارند که در اینجا به بافت موقعیتی مربوط به این رمز و نقشی که سکوت در آن ایفا می‌کند، می‌پردازیم.

بافت موقعیتی: آشپزخانه، دقیقهٔ ۱۹:۲۵ : راضیه که برای کار به خانه نادر رفته است، بدون آگاهی قبلی مجبور می‌شود پدر نادر را نظافت کند. او بسیار آشفته است و پس از پرسیدن تلفنی حکم شرعی آن، آمادهٔ انجام این کار می‌شود. راضیه در آشپزخانه به سمت سمیه می‌رود. سمیه که در آشپزخانه پشت میز نشسته است، با ناراحتی مادر خود را نگاه می‌کند و به محض این‌که متوجه می‌شود مادرش به طرف او می‌رود، خود را مشغول بازی با کارد آشپزخانه نشان می‌دهد. راضیه به سمت او می‌رود و روبه‌روی او می‌ایستد.

راضیه: [در سکوت ۳ ثانیه مستقیم به او نگاه می‌کند].



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

سمیه: به بابا نمی‌گم (با چهره‌ای گرفته).

راضیه: قربونت برم (با صدایی ضعیف).

راضیه و سمیه مرتباً در شرایط خاص ناخوشایند قرار می‌گیرند و مجبور به تحمل آن‌ها می‌شوند. از آنجا که تجارب مشترک منجر به دست یافتن به رمز در تعاملات بین مشارکان می‌شود، آن‌ها به رمز دیگری نیز دست یافته‌اند. پدر خانواده به دلیل مشکلات شدید مالی از فراهم نمودن ساده‌ترین نیازهای خانواده عاجز است. در این شرایط راضیه مجبور شده است برای تأمین مخارج خانه به دور از چشم حجت خارج از خانه کار کند و تنها رازدار او دختر کوچکش سمیه است که یاد گرفته است این مسائل را از پدر که فردی عصبی و افسرده است، پنهان کند. هربار درخواست راضیه از سمیه برای پنهان کردن مسائلی که با آن‌ها روبه‌رو بوده‌اند، همراه با سکوت و نگاهی ملتمسانه بوده است و به مرور زمان، کلام از این درخواست حذف شده و سکوت به همراه این نوع نگاه، تبدیل به رمز آنان شده است که در استفاده از آن به تفاهم رسیده‌اند. پس این سکوت دارای نقش فرازبانی می‌باشد که همچنان‌که یاکوبسن معتقد است نه یک وسیله، بلکه خود هدف است (Vide. Jakobson, 1960: 359).

## ۵. نتیجه‌گیری

طبق چارچوب نظری افرات (2008) می‌توان نقش‌های ارتباطی یاکوبسن (1960) را به سکوت نیز تعمیم داد. با توجه به آنچه در مقاله دیدیم، در فیلم مورد مطالعه سکوت بلیغ جزء لاینفک ارتباط‌های زبانی روزمرهٔ افراد محسوب می‌شود و به‌طور مؤثر در خلق و انتقال انواع مختلف نقش‌های ارتباطی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این فیلم سکوت بلیغ تمام نقش‌های ارتباطی یاکوبسن را ایفا می‌کند. از سوی دیگر عوامل بافتی و کاربردشناسی در ایجاد معانی و نقش‌های سکوت تأثیر به‌سزایی دارند. آن‌گونه که در تجزیه و تحلیل شواهد مشاهده شد، تجربه‌های مشترک مشارکان در ارتباط، باورها و اعتقادات مذهبی، هنجارهای فرهنگی، روابط قدرت میان مشارکان، هدف از برقراری ارتباط و نوع مخاطب در تعاملات زبانی از جمله این عوامل بافتی و کاربردشناختی هستند که در ترجیح سکوت بر گفتار و همچنین شکل‌گیری نوع نقش خاص برای سکوت نقشی اساسی دارند و هریک از موارد سکوت بلیغ در بستر این عوامل گاه تأثیرگذارتر از کلام صریح در ابراز و انتقال منظور، احساسات و



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

اهداف افراد و همچنین میزان توجه، علاقه و مشارکت آنان در ارتباط به‌کارگرفته می‌شوند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. Ephratt
2. Tannen
3. stillness
4. pause
5. silencing
6. referent
7. emotive
8. conative
9. referential
10. poetic
11. phatic
12. procedural
13. conceptual conative
14. speech act
15. direct speech act
16. indirect speech act

۱۷. Rhetorical question: در حالت کلی شامل انواع به‌کارگیری جملات پرسشی است که با طرح آن گوینده انتظار جوابی ندارد. نوعی از این سؤالات صرفاً برای مطرح کردن موضوعی برای بحث به کار می‌روند و بعضی برای اعلام رجحان یا انتظار موردی از میان موارد ممکن دیگر توسط گوینده است (Vide. Routledge dictionary of language and linguistics, 1996: 1009).

## ۷. منابع


- صادقی، لیلا (۱۳۸۷الف). «گفتمان دلالی سکوت از دیدگاه زبان‌شناسی: تقاطع سکوت در تعامل اجتماعی و سکوت روایی». ***مجلهٔ پژوهش علوم انسانی***. ش. ۲٤. صص ۱٦۳-۱۸٤.




[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

---------- (۱۳۸۷ب). ***کارکرد گفتمانی سکوت در داستان کوتاه معاصر ایرانی***. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

---------- (۱۳۸۹). «نقش‌های سکوت ارتباطی در خوانش متون ادبیات داستانی». ***فصلنامهٔ علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی***. ش ۱۹. صص ۱۸۷- ۲۱۱.

سجودی، فرزان و لیلا صادقی (۱۳۸۹). «کارکرد گفتمانی سکوت در ساخت‌مندی روایت داستان کوتاه». ***فصلنامهٔ پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)***. ش ۱ و ۲. صص ٦۹- ۸۸.

**References:**


- Agyekum, K. (2002). "The communicative role of silence in Akan. *Pragmatics*". 12 (1). pp. 31- 52.
- Bruneau, T.J. (1973). "Communicative silences: Forms and functions". *The Journal of Communication.* 23. pp. 17- 46.
- Bussman, H. (1996). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*. (G. rauth, & K. Kazzazi, Trans.). New York: Routledge.
- Eagelton, T. (1996). *Literary Theory: An Introduction* (2ed ed.). UK: Blackwell Publishing.
- Ephratt, M. (2008). "The functions of silence". *Journal of Pragmatics*. 40. pp. 1909-1938.
- ---------- (2011). "Linguistic, paralinguistic, and extralinguistic speech and silence". *Journal of Pragmatics.* 43. pp. 2286-2307.
- Goffman, E. (1981). *Forms of Talk*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Huckin, T. (2002). "Textual silence and the discourse of homelessness". *Discourse & Society*. 13(3). pp. 347–372.
- Jakobson, R. (1960). "Concluding statement: linguistics and poetics". *In*
- Jaworski, A. (1997b). "Aesthetic, communicative and political silences in




[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

Laurie Anderson's performance art". In A. Jaworski (Ed.). *Silence: Interdisciplinary Perspectives*. Berlin: De Gruyter. pp. 15-35.

- Jaworski, A. (1998). "Talk and silence in the integration". *Language and Literature*. 7(1). pp. 99-122.
- ---------- (2000) "Silence and small talk". In J. Coupland (ED.). *Small Talk*. London: Pearson Education. pp. 110-132.

  ---------- (1993). *The Power of Silence*: *Social and Pragmatic Perspectives*. Newbury Park, CA: Sage.
- ---------- (1997a). *Silence: Interdisciplinary Perspectives*. Berlin: De Gruyter.
- ---------- (1997c). "White and white: Metacommunicative and metaphorical silences". In A. Jaworski (Ed.), *Silence: Interdisciplinary Perspectives* Berlin: De Gruyter. (pp. 15-35).
- Jensen, J.V. (1973). "Communicative functions of silence". *ETCA Review of General Semantics*. 30. pp. 249-257.
- Johannesen, R.L. (1974). "The functions of silence: A plea for communication research". *Western Speech*. 38. pp. 25-35.
- Kurzon, D. (2007). "Towards a typology of silence". *Journal of Pragmatics.* 39. pp. 1673-1688.
- Sadeghi, L. (2008b). *Function of silence discourse in the contemporary Iranian short stories.* (MA thesis). Allame Tabatabai University [In Persian].
- ---------- (2010). "The role of interactive silence in reading story texts". *Quarterly Journal of Persian Language and Literature*. Vol. 19, pp. 187-211 [In Persian].
- ---------- (2008a). "Implicative discourse of silence in the view of Linguistic: Silence in the social intersection and narrative silence". *Research Journal of Humanities*. No. 24. pp. 184-163 [In Persian].
- Saville-Troike, M. (1985). "The place of silence in an integrated theory of Communication". In D. Tannen and M. Saville- Troike (Eds.). *Perspectives on*



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]

*Sebeok. T.A (Ed.). Style in Language.* New York: Wiley. pp. 350–377.

*Silence* (pp. 3-18). Norwood, NJ: Ablex.

- Sojoodi, F. & L. Sadeghi (2010). "Functions of silence discourse in structuring of narrative short stories". *Comparative Language and Literature Research (Language Related Research).* No. 2. pp. 69-88 [In Persian].
- Tannen, D. (1985). "Silence: Anything but". In Tannen. D. and Saville Troike, M. (Ed.). *Perspectives on Silence*. Norwood, NJ: Ablex. pp. 55-75.
- Whitty, S. (2011). "A Separation". *Review: Searching for truth in Tehran. NJ.com.* Retrived April 22, 2013. from http:// www.nj.com
- Žegarac,V. (1998). "What is phatic communication*?"*. In Rouchota, V.Jucker, A.H (Ed.). *Current Issue in Relevance Theory*. Amsterdam: John Benjamins. pp. 327-361.



[ Downloaded from lrr.modares.ac.ir on 2024-10-12 ]